

بحث در شروح و معانی مختلف يك بيت
از حکيم نظامی گنجه‌ای

صيدگري بود هجبت تيزبين باديه پيمای و مراحل گزين
شهرسگی داشت که چون پو گرفت سایه خورشيد بر آهو گرفت^۱

بهر روز ثروتیان

دانشجوی فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی (تبریز)

جستجوی صنایع معنوی دور از ذهن و معانی غیر منطقی و غیر طبیعی در اشعار حکیم نظامی گنجه‌ای خطاست، زیرا تشبیهات و استعارات و کنایات شعر استاد مانند زندگی ساده و دنیای مادی و عاری از تکلفات و تصنعات عصر وی همه سرچشمه محسوس و مادی دارد.

او شاعر است که لرزیدن بید را به آدم سحرزده و خودنمایی گل لاله را در زیر پای درخت بید به دود افکن^۲ و جن گیر تشبیه کرده میگوید:

سحر زده بید، بلـرزه تنش مجمر لاله شده دود افکنش^۳

که هر چهار عنصر از دو تشبیه بدیع وی (۱- بیدلرزان : مشبه . ۲- سحرزده : مشبه به . ۳- مجمر لاله : مشبه . ۴- دود افکن : مشبه به .) محسوس و مادی است و ترکیب و تجسیم کلی نیز واقعیت عینی و خارجی دارد .

۱- نقل از صفحه ۱۰۲ مخزن الاسرار حکیم نظامی با تحشیه و تصحیح مرحوم وحید از انتشارات ابن سینا، چاپ سوم .

۲- دودافکن : نوعی از ساحران باشند و ایشان عود و لیان و دانه سپند و مقل ازرق بر آتش نهند و افسونی خوانند و جن را حاضر گردانند ، بعد از آن هر اراده‌ای که خواهند کنند . (برهان قاطع باهتمام دکتر معین) .

۳- ص ۵۶ همان کتاب .

پس برای شرح شعر حکیم گنجه (و حتی دیگر سخنگویان) باید در وهله اول وجه بسیار ساده و طبیعی را با توجه به آداب و رسوم محیط و زمان شاعر در نظر گرفته بعداً در صورت لزوم متوجه مناسبات و ایهامات دیگر شد .

ضمن مطالعه مخزن الاسرار نظامی محشی و مصحح استاد سخن مرحوم وحید دستگردی

بنظر رسیده بود که مرحوم وحید در شرح بیت :

شیر سگی داشت که چون پو گرفت سایه خورشید بر آهو گرفت

وجه ساده و طبیعی را در نظر نگرفته کلمه آهو را بمعنی عیب منظور فرموده اند . مسلماً شارحان دواوین شعرا ، تمام ابیات را به يك حد و اندازه مورد مذاقه قرار نمیدهند والا مشاهده عدم توجه از وحید زمانه ای چون وحید دستگردی به معنی بیت مورد بحث و ابیاتی که شرح صریح نشده است علت دیگری نمی توانست داشته باشد . اخیراً ضمن استفاضه از کتاب نظامی شاعر داستانسرای ایران^۱ تألیف آقای دکتر علی اکبر شهابی معلوم شد مؤلف محترم با توجه بشرح مرحوم وحید بیت فوق را بعنوان یکی از اشعار مشکل، تفسیر و نظریات دیگری را نیز ارائه فرموده اند که خواندن آن همه خالی از لطف و فایده نبود در حالیکه غیر قابل رد هم بنظر نمیرسید که برای عرض نظر مقدمه نظریه مرحوم وحید و استدرک آقای دکتر شهابی را با حاشیه مر بوط نقل میکند:

نظر مرحوم وحید دستگردی^۲

۱- یعنی سگی شیر مانند داشت که هنگام پویه بر نور خورشید پیشی گرفته و بر او عیب میگذاشت، سایه خورشید نور او و سیر نور بی نهایت سریع است. آهو هم در اینجا بمعنی عیب است. خورشید باهو گرفت - نسخه .

استدرک آقای دکتر علی اکبر شهابی^۳

یکی از اشعار مشکل و تفسیر آن :

۱- از انتشارات ابن سینا . ۲- ذیل صفحه ۱۰۲ ح ۱ .

۳- نقل از صفحه ۱۳۰ الی ۱۳۲ تألیف ایشان چاپ ۱۳۳۴ .

از جمله اشعار مشکل نظامی که بواسطهٔ دقت معنی و غرابت تشبیه بسیاری از مردم معنی آن را نفهمیده و برخی از فضلا و سخن سنجان در معنی آن دچار اشتباه شده‌اند، شعری است در ابتدای مقالات ششم که داستان صیاد و روباه و سگ را بیان می‌کند چنین می‌فرماید:

صیدگری بود عجب تیزبین بادیه پیمای و مراحل گزین
شیرسگی داشت که چون پو گرفت سایهٔ خورشید بر آهو گرفت

اشکال و ابهام در مصراع چهارم یعنی: «سایهٔ خورشید بر آهو گرفت» است. مرحوم وحید در مخزن‌نی که خود چاپ کرده است این شعر را چنین معنی نموده است: «یعنی سگی شیر مانند داشت که هنگام پویه بر خورشید پیش گرفته و بر او عیب می‌گذاشت سایهٔ خورشید نور اوست. آهو هم در اینجا بمعنی عیب است و تأویلات دیگر همه خطا و مخالف ذوق...»

بر صاحبان ذوق سلیم و سخن سنجان در کمال وضوح روشن است که این معنی بی‌بجوجه درست نیست نه از نظر الفاظ و نه از جهت معنی زیرا گذشته از تناسب سگ و آهو (غزال) و صیاد با یکدیگر هر صاحب ذوق سلیمی از ابتدای امر همین معنی را از آهو در اینجا درک می‌کند نه معنی کم و نادر آن را که عیب باشد از جهت قواعد و اصول زبان و رعایت معنی و مقصود هم صحیح و فصیح نیست که بگوئیم: «شیر سگ هنگام دویدن نور خورشید بر عیب یا بعیب می‌گرفت» و امکان ندارد شاعر توانایی چون نظامی چنین لفظی گوید و اینگونه معنی اراده کند.

درین شعر معنی بسیار دقیق و لطیفی گنجانده شده است که از تامل و احاطه بر شعر و ادب فارسی معنی آن بر خواننده روشن می‌گردد.

مقصود از سایهٔ خورشید چنانچه وحید هم گفته است و در کتب لغت ذکر شده نور خورشید است و چنانکه میدانیم سرعت سیر نور حد اعلائی سرعت است و اگر خواسته باشند سرعت چیزی را با آخرین حد درجه نشان بدهند آن را با سرعت نور تشبیه میکنند.

شاعر بزرگوار درین شعر صنعت اغراق و مبالغه دارد و میگوید که سرعت دویدن سگ از سرعت نور بیشتر بود بدین بیان و توضیح هر گاه نور خورشید بر روی جسمی قرار گیرد و جسم دیگری مثلاً دست را روی جسم اول قرار دهیم در طرفه‌العین و کمتر از مدتی که بحساب درآید نور از جسم اول بر روی جسم دوم انتقال پیدا می‌کند. نظامی درین شعر میفرماید که سرعت دویدن سگ شیر صفت با اندازه‌ی بود که آهو را پیش از آنکه نور خورشید از روی جسم آهو بر روی سگ افتد می‌گرفت یعنی سرعت دویدن سگ از سرعت انتقال نور از جسم آهو بجهت سگ که خود را بر روی آهو می‌افکند بیشتر بود. ضمن حاشیه^۱ ذیل صفحه ۱۳۲ همان کتاب یادآور میشوند :

در جنگ خطی که در کتابخانه مرحوم پدر دانشمند بزرگوارم اعلی‌الله‌مقامه الشریف وجود دارد این شعر بدینگونه معنی شده است :

« سایه خورشید نور آنست و چون آن بر عضوی نشیند و کسی دست بر آن نهد فوراً آن نور بر پشت دست افتد و نتوان آن را زیر دست گرفت، پس از روی مبالغه گفته است که آن سگ آهو را چنان زود می‌گرفت که نور آفتاب در زیر دست و دهانش بر آهو میماند و بر روی دست و دهان سگ نمی‌افتاد » .

معنی مقصود

با حفظ سبک حکیم نظامی و زیبایی و سادگی کلام وی و با توجه بعنق مقایسه سرعت حرکت حیوانات با سرعت نور و غرابت آن تشبیه و ضمن یکبار مشاهده عینی شکار با سگ شکاری و نظر بمقایسه پو گرفتن شیر سگ با دویدن آهو ، سادگی و بدون بهام بودن بیت معلوم میشود :

چون : زمانیکه ، بهحض اینکه^۱ . پو-وپوی : رفتار متوسط (نه تند و نه آهسته)^۲.

۱- معادل dès que در زبان فرانسه .

۲- با پویه اشتباه نشود که رفتار تند و دویدن را نیز گویند .

پو گرفتن: رفتار متوسط آغازیدن. سایه خورشید: نور آن. سایه خورشید را گرفتن: نور آن را نگه داشتن و مانع رسیدن نور خورشید شدن.

نتیجه: در این بیت حکیم نظامی حرکت متوسط شیر سگ یا سگ مانند شیر را با رمیدن و دویدن آهو مقایسه کرده تندی و سرعت پوی سگ را بر سرعت دویدن آهو برتری داده است که میگوید:

سگی مانند شیر داشت که بمحض پو گرفتن و آغاز رفتار متوسط نور خورشید را بر آهو گرفته مانع رسیدن نور بر آهو میشد زیرا بمحض حرکت شکار تندرو خود را در زیر گرفته بود^۱.

نگات بر چسبته معنی بیت

- ۱- سرعت رفتار متوسط سگ بیش از سرعت غزال رمنده بود.
- ۲- بمحض حرکت آهو را زیر گرفته مجال حرکت به او نمیداد.
- ۳- هیکل و جسم سگ بزرگتر از هیکل و جسم آهو یا لااقل با آن برابر بود که او را چنان در بر میگرفت که مانع رسیدن نور بر آهو میشد و مانند پرده‌ای جلو نور آفتاب را می گرفت. ضمناً میتوان سایه را بمعنی سایه در نظر گرفت که، بعبارت ساده تر: سایه‌ای از خورشید بر آهو میگرفت یعنی سایه‌ای که از سگ بر روی آهو می افتاد سایه‌ای بود که علت اصلی آن آفتاب بود حال با در نظر گرفتن معانی زیر برای کلمات آهو و گرفت هر کس مطابق ذوق خود و با توجه بقرائن موجود (در صورت وجود) مختار بتأویلات و تفسیرات دیگر خواهد بود.

آهو: بر وزن کاهو، جانوریست معروف که بتازی غزال خوانندش - ومطلق عیب را نیز گفته اند خواه با مردم باشد و خواه با چیزهای دیگر - وبمعنی رم باشد که از رمیدن است چه آهوپی رمندگی را گویند - وبمعنی فریاد و آواز بلند هم آمده است - و نام

۱- بنظر نگارنده تأویلات مختلف از وسعت معانی بیش از حد معمول کلمه گرفتن ناشی شده است که فکر کرده اند خود نور را سگ میگرفته نه جلو و راه آنرا.

مرضى و علتى هم هست که آنرا بعرى ضيق النفس خوانند - و بطريق استعاره چشم را نیز آهو میگویند - و شاهد و معشوق را هم گفته اند .

گرفت : بکسر اول و ثانى و سکون فا و فوقانى ، بمعنی طعنه است که زدن نیزه باشد - سخنرا نیز گویند که بعنوان سرزنش گفته شود - و بمعنی جرم و جنایت . و غرامت و تاوان و مواخذت هم آمده است . و ماضى گرفتن به هردو معنی هم هست که گرفتار شدن و ستن باشد - و نگه داشتن - و مالش دادن - و لرزاندن انگشت و دست باشد در سازهای زوی الاوتار تا نغمه موجدار و جوهردار بگوش خورد و بمعنی خسوف و کسوف هردو بنظر آمده است که ماه گرفتن و آفتاب گرفتن باشد^۱ .